

مهران صدرالسادات، نقاش پیشکسوت مشهدی

در گفت‌وگو با شهرآرا از ۴۵سال تلاش در عرصه‌های هنری می‌گوید

دنیای نقاشی پایان ندارد

الهام ظریفیان

گفت و گوی روز

با دکتر مهران صدرالسادات، استاد پیشکسوت نقاشی مشهد، در منزل دنج قدیمی‌اش گفت‌وگو کردیم؛ خانه‌ای یک طبقه با اتاق‌های نورگیر بزرگ که نمایشگاه کوچکی از آثارش محسوب می‌شود و حیاط دلبازی با درختان قدیمی دارد. او ما را به کارگاهش در گوشه حیاط برد و پرده از روی تابلوهایی که به دیوار آویخته بود، کشید و بوم‌های تکیه‌داده به دیوار را نشانمان داد. در آن کارگاه گوشه حیاط، می‌شد نشانه‌های پراکنده زیادی از ۴۵سال خلق هنر بر بوم نقاشی را دید. ساعتی، پای صحبت این هنرمند مشهدی نشستیم و درباره نقاشی، معماری و هنرهای دیگر کپ زدیم و او بیش از همه از این گفت که هنر و هنرمندان در مشهد به حال خود رها شده‌اند. حتی گفت که به نظرش، همان‌طور که وزارت ورزش راه‌اندازی شد، باید وزارت هنر راه‌اندازی شود تا سروسامانی به اوضاع نابسامان هنر بدهد.

● از کی متوجه علاقه‌تان به هنر شدید؟ پدر و مادرتان اهل هنر بودند یا خودتان آن را کشف کردید؟

خودم کشف کردم. در مدرسه عطش به هنر را حس می‌کردم. در آموزش و پرورش از همان ابتدا، آن توجهی که باید به هنر بشود، نمی‌شد. همه توجه‌ها به ریاضی و درس‌های منطقی بود. به نظر من وقتی جلوی یک چیز را بگیرند، بیشتر برای آدم انگیزه می‌شود که آن را کشف کند. این محدودیت باعث شد تمایل به شاخه‌های هنری در من بیشتر شود.

● اینکه محدودیت باعث کشف هنر در شما شد، خیلی جالب است.

من در محیط‌های مختلفی زندگی کردم؛ مثلاً در کشور سوئیس، شاگردان برای اینکه نمره قبولی در درس موسیقی بیاورند، به کلاس خصوصی می‌روند، درحالی‌که ما اینجا توجهمان فقط به ریاضی و فیزیک و شیمی است. آن‌ها عقیده دارند هنر باید همراه با درس باشد. درواقع هنر کاتالیزور و کمک‌کننده دروس است. هنر در مدارس برای تقویت ذهن بچه‌ها و اینکه انگیزه پیدا کنند تدریس‌های دیگر را بخوانند، تدریس می‌شود. ازطرفی خیلی پیش می‌آید که ما تنها زندگی کنیم. بلد بودن یک ساز، نقاشی، شعر، ادبیات و... می‌تواند خلأ تنهایی انسان را پر کند. انسان موجود تنهایی‌است؛ تنها به دنیای می‌آییم و تنها از دنیای می‌رویم. من الان هفت‌سال است که همسر فوت کرده‌ام و تنها زندگی می‌کنم. اگر نقاشی نبود، چه‌می‌خواست جای آن را پر کند؟ من شعر، نوشتن، موسیقی و... را خودم آموخته بودم. آن زمان در قوچان هیچ کلاس آموزشی نبود. دوره سرسازی در سپاه دانش بودم و ۱۸ ماه در روستایی معلمی کردم. آنجا شب‌ها با چراغ نفتی، نقاشی می‌کشیدم و بعد از سربازی با حمایت مالی پدرم به ایتالیا رفتم.

● چرا ایتالیا را انتخاب کردید؟

به خاطر نقاشی بود. ایتالیا معروف به نقاشی و مجسمه‌سازی است و پدر و مادرم می‌خواستند من دکتر شوم و من رفتم که درس بخوانم. درحالی‌که شناختی از زبان ایتالیایی نداشتم. حتی الفبای آن را نمی‌دانستم. حتی دیکشنری ایتالیایی به فارسی نبود. مجبور بودم لغات را از ایتالیایی به انگلیسی و از انگلیسی به فارسی ترجمه کنم. به یک شهر دانشگاهی به نام پروجا رفتم و در یک کالج زبان که ویژه خارجی‌ها بود، ثبت‌نام کردم و به تدریج زبان را یاد گرفتم. در آن یک سال هر روز آموزش زبان با خودم درگیر بودم

که چه رشته‌ای انتخاب کنم. رشته‌ام تجربی بودومی توانستم بدون کنکور، رشته پزشکی بخوانم. ولی من رفتم دانشگاه نکرد. برخلاف انتظام پدرم مخالفت نکرد. داشکند هنرهای زیبای رم، امتحان ورودی داشت. امتحانش به این ترتیب بود که دو ماه باید کار می‌کردی. بعد از دو ماه اگر می‌دیدند استعداد داری، می‌گفتند می‌توانی ثبت‌نام کنی. پنج سال رم بودم. سال ۵۶ لیسانس هنرهای زیبا را گرفتم. آن موقع فوق لیسانس

و دکتری هنر نبودو نقاشی هم چیزی نیست که بگویی به خط پایانش رسیدی‌ای.

● آن فضای هنری دانشگاهی که شما دررم دیده بودید، با فضای هنری نقاشی در ایران چقدر تفاوت داشت؟ در مشهد کسانی بودند که نقاشی را تجربی کار می‌کردند و سواد آکادمیک نداشتند. اعتبار و مانور ایتالیا به داشتن هنرمندان نقاشش است. همین‌طور که افتخار ما به سعدی و حافظ و ادیبانمان است، آن‌ها افتخارشان به داوینچی، میک‌ل‌آنژ، آلساندرو رافائل، جوتو و... است. هنر در آن‌ها خیلی همگانی است؛ یعنی فضا هنری است. در شهر رم از هنر دوره باستان تا معاصر را می‌توانید ببینید؛ به همین دلیل میلیون‌ها گردشگر به رم می‌روند. درواقع هر شهر ایتالیا مثل یک چاه نفت است. در ایتالیا نقاشی را با این هدف که خلافت را به بچه‌ها یاد بدهند و بچه‌ها بهتر بتوانند ریاضی بخوانند، در مدارس تدریس می‌کنند. درواقع نقاشی برای کمک به یاد گرفتن درس‌های علمی، پر کردن اوقات فراغت، ایجاد خلاقیت و حس ابتکار در کودک است. دست‌آخر اگر کسی علاقه مند بود، می‌رود حرفه‌ای نقاشی را دنبال می‌کند. از این نظر توانسته‌اند فراغ التحصیلان مبتکری داشته باشند.

● شما در سال‌هایی که مسئولیت‌های اجرایی داشتید، به سهم خودتان برنامه‌ای داشتید برای اینکه بتوانید این فاصله را کم کنید؟

فاصله واقعاً زیاد بود و به من از نظر اجرایی این قدرت و توانمندی را نمی‌دادند که بتوانم پیشنهادهای خودم را عملی کنم.

● پیشنهادهایتان چه بود؟

اینکه هنر در آموزش و پرورش و جامعه جاری باشد. اینکه این شهر میلیونی که این همه زائر به آن می‌آیند، نیاز به موزه هنرهای تجسمی دارد. آرامگاه فردوسی پربازدیدکننده‌ترین موزه در ایران است. در آرامگاه دو رستوران قرار داشت. پیشنهاد کردم یکی از آن



عکس: سیدعلی شهرآرا

۴۵سال تلاش هنری

مهران صدرالسادات متولد ۱۳۲۹ در قوچان است. او از پانزده سالگی به همراه خانواده‌اش به مشهد مهاجرت کرد. پدرش مجموعه‌ای املاک کشاورزی در اطراف قوچان، شیروان و فاروج و شهرهای اطراف داشت که اصلاحات ارضی دهه ۴۰ باعث شد به مشهد مهاجرت کنند. بعد از سربازی به ایتالیا رفت و در رشته نقاشی از دانشگاه هنرهای زیبای رم لیسانس گرفت. سال ۵۶ به مشهد بازگشت و در وزارت فرهنگ و هنر استخدام شد. او در سال ۱۳۷۹ مدرک درجه یک هنری (معادل دکتری) را در رشته نقاشی از شورای ارزشیابی مشاغل هنرمندان کشور گرفت. وی اولین خراسانی بود که این مدرک را در رشته نقاشی دریافت می‌کرد. صدرالسادات دارای سوابق اجرایی، سرپرست مرکز آموزش هنرهای تجسمی مشهد، مدیرمسئول اداره هنرهای تجسمی فرهنگ وارشاد اسلامی،

و هنر معاصر را آمیخته با هنر سنتی کار کنند.

● خب، این اتفاقی است که در همه ایران باید بیفتد. سوال من این است که آن وجه تمایزی که ما در مشهد می‌توانیم رویش مانور بدهیم، چیست؟ وجه تمایز ما، هنرمندان شاخصی هستند که داریم. چرا یک کتاب از نقاشان مشهد چاپ نشده است؟ ما باید این‌ها را مطرح کنیم، وگرنه می‌پوسند و از بین می‌روند. مردم باید با هنرهای بصری آشنا شوند. نقاشی، دنیای بصری است و دنیایی است که از زندگی ما جدا نیست. مردم باید با این دنیای بصری آشنا شوند و بدانند که دنیایی ورای دنیایی که ما می‌بینیم، وجود دارد. ولی نقاش که نمی‌تواند راه بیفتد و این‌ها را توضیح بدهد. باید این‌ها را معرفی کنند و مردم با آن آشنا شوند که بعد بتوانیم مانور بدهیم که ما در مشهد فقط نلخورکننده هنر نیستیم و هنرمندانی داریم که می‌توانند در سطح جهانی معرفی شوند.

● به نظر تان، انجمن هنرهای تجسمی یا انجمن‌های مشابه نباید بتوانند این نقش را ایفا کنند و پلی بین مردم و دنیای هنر باشند؟

الان تعداد این مراکز باعث شده است هنرمند ندانند با کی طرف است و از

کی باید انتظار داشته باشد. مثلاً خانه هنرمندان شهرداری هست. هر نهادی یک بخش فرهنگی و هنری دارد. هر مسجدی حتی یک پایگاه فرهنگی و هنری دارد. این‌ها باید یک متولی داشته باشند. من می‌خواهم بگویم حتی وزارت هنر لازم داریم که کارش مشخص باشد.

● این وزارت هنر، کارش چه باید باشد؟ خرید آثار هنری را درنظر بگیرید. باید جایی باشد که راه بیفتند در سراسر ایران و آثار فاخر را بخرند و خوراک برای موزه‌های آینده بسازند یا این آثار را به فستیوال‌های خارجی بفروشند. در اروپا در هر زمینه‌ای سعی می‌کنند پول بسازند. ولی ما فقط خرج می‌کنیم. به فکر برگشت سرمایه‌های هنری نیستیم. ولی می‌شود برگشت داشته باشد اگر دولت بخواهد. راه دارد. از ما نپرسیده‌اند ولی راه دارد. مثلاً در آمریکا زمان گشایش دانشگاه‌ها، جشن می‌گیرند که دانشجویان با روحیه خوبی به کلاس بروند. این در زمینه موسیقی است.

در زمینه نقاشی، نمایشگاه و جشنواره برپا می‌کنند. یک کالج برای خودش یک ساختمان مخصوص عرضه آثار هنری دارد. آبیادانشگاه فردوسی مشهد ساختمانی دارد که بشود نمایشگاه دائم و موزه نه. آیا ما برای بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها، کنسرت و تئاتر فاخر نداریم؟ این‌ها باید را گانیزه شوند. انجمن‌هایی می‌توانند این کار را بکنند. وزارت هنر لازم است. وزارت هنری باید باشد که بگوید شما در مشهد و در شهرستان‌ها چه کار باید بکنید.

● در گذشته مشهد یکی از قطب‌های نقاشی بوده است. هنوز هم می‌توانیم بگوییم جریان خاصی از نقاشی در این شهر وجود دارد؟ درمقایسه با شهرهایی که من دیده‌ام، بله، می‌توانیم بگوییم. درمقایسه با خیلی از مراکز استان‌ها مانند اصفهان، ما هنرمندان مطرح بیشتری داریم ولی

جارسوق هنر

پخش «الهییار و مهرو» و «شاهزاده روم» از شبکه ۲



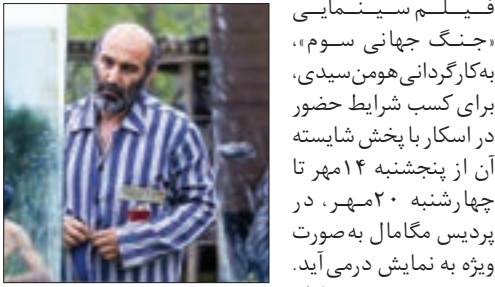
می‌شود. همچنین پویانمایی «شاهزاده روم»، به کارگردانی هادی محمدیان، سه شنبه ۱۲ مهر، ساعت ۷ روانه آنتن می‌شود.

چند فیلم ایرانی در سوریه



هم‌زمان با هفته فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سوریه، روزهای سینمایی ایران در سالن اپراشهر دمشق آغاز می‌شود. در این رویداد فرهنگی و هنری که تا سه شنبه ۱۲ مهر ادامه دارد، فیلم‌های «هناس»، «مدیترانه»، «حوض نقاشی»، «به حبه قند» و «فرشته‌ها با هم می‌آیند» با زیرنویس عربی به نمایش درمی‌آید. در آیین افتتاحیه روزهای سینمایی ایران، فیلم «هناس» با حضور حسین دارابی، کارگردان فیلم، برای علاقه‌مندان به سینمای ایران به نمایش درخواهد آمد.

اکران «جنگ جهانی سوم» از ۱۴مهر



سینمای ما به بالا، به کارگردانی سیدجمال سیدحاتمی، به سرگروهی سینما ماندانا، از پنجشنبه ۱۴مهر اکران سراسری خود را آغاز کند.

اخبار هنری مشهد

هشدار حامد بهداد به تجزیه طلبان



حامد بهداد، بازیگر مشهدی سینما و تلویزیون ایران، به هشدار درباره زرمزه بدخواهان برای تجزیه ایران، بر حفظ تمامیت ارضی کشور تاکید کرد. به گزارش ایسنا، بهداد در متنی نوشته است: «هنرمند، مردم است و از آن مردم. در میان مطالبات

برحق این مردم، اگر زرمزه بدخواهان، علیه این وطن عزیزمان به‌گوش رسید، نباید آن را به پای ما مردم نوشت. حفظ تمامیت ارضی این آب‌و خاک، آرمان و فصل مشترک همه‌ماست و همین مهم، مرز ما را با هر آن که ایران ما را تجزیه بخواهد، جدا می‌کند.»

واکنش صنعتگر به ناآرامی‌ها



غلامرضا صنعتگر، خواننده کشور، در واکنشش به اغتشاش‌های اخیر در گفت‌وگو با فارس، گفت: خوب است که قبل از هر اظهار نظری به عواقب آن هم ببیندیشیم. من به شخصه از اینکه هر شخصی در خارج از حوزه تخصصی خود اظهار نظر کند، مخالفم. امکان ندارد کسی بتواند در همه زمینه‌ها صاحب‌نظر باشد. متأسفانه برخی هنرمندان، توهم کمال دارند و خود را همه چیزدان می‌دانند. خواننده «ضامن‌آهو» با ابراز تأسف از شرایط پیش آمده افزود: چقدر خون بی‌گناه در این دشت‌ها ریخته‌شد که به تحریک همین اظهارات بوده است و سوال بی‌پاسخی که در ذهن‌ها شکل می‌گیرد، این است که چرا خودشان یا فرزندان‌شان در این اجتماعات حضور فیزیکی ندارند؟ صنعتگر اظهار کرد: پروضاح است که دشمنان قسم‌خورده ایران، رویای فروپاشی ایران عزیزمان را در سر می‌پرورانند و از هیچ تلاشی در این زمینه دریغ نمی‌کنند. شواهد و قرائن هم مبین حضور این افراد است. وی تصریح کرد: واقعا اینان که دشمنان به خون هزاران شهید آغشته است، دلسوز ما شده‌اند؟ از مردم شریف سرزمین خواهش می‌کنم اول از همه فکر ایران عزیزمان باشند و نگذارند کسی جرئت کند به پرچم مقدس کشورمان، کوچک‌ترین اهانتی کند که این خاک، متبرک به خون دلاورمردانی است که به دست همین کسانی که امروز ادعای دلسوزی ما را دارند، ریخته شده است. خواننده آثار ملی میهنی در آخر تاکید کرد: به هنرمندان محترم هم توصیه می‌کنم حرفی نزنند که دشمن شاد شوم و جوانان و نوجوانان بی‌گناه ما قربانی این فتنه شوم شوند.